

## Investigating the structure and theme of Anwari's quatrains\*

**Dr. Omid Vahdanifar**<sup>1</sup>

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Bojnourd University

### **Abstract**

Every Persian poetic form has its own stylistic and structural features the knowledge of which provides better understanding of the poems. Ouhad al-Din Anwari Abivardi was a great Persian poet in the sixth century AH, whose collection of poems was written in various forms of ode, lyric, piece and quatrain. Anwari's style, especially in his quatrains, is something between Khorasani and Iraqi styles. Every form of poetry plays a special conventional role in the literature. Quatrain, as an instance, is an original form of Persian language so far used in various themes such as transient life, love themes, philosophical topics and educational teachings. Research suggests that enduring quatrains are those that structurally involve description, recommendation and analysis and conceptually have themes on philosophy, seizing opportunities, education and love. In this research, the structure and theme of 100 quatrains written by Anwari quatrains are studied by the descriptive-analytical method and through library sources. The findings of this study refer to three elements in Anwari's quatrains, including description, recommendation and analysis. From the thematic point of view, the poems have contents on philosophical concepts and tail swings as well as valuable educational themes, all of which reinforce the poet's quatrains.

**Keywords:** Sixth century, Persian poetry, Quatrains, Structure, Concept, Anwari Abyvardi.

---

\* Date of receiving: 2019/10/07

Date of final accepting: 2020/07/29

- email of responsible writer: o.vahdanifar@gmail.com

فصلنامه علمی کاوش‌نامه  
سال بیست و یکم، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۴۷  
صفحات ۲۵۴-۲۲۷

## بررسی ساختار و درون‌مایه رباعیات انوری\* (مقاله پژوهشی)

دکتر امید وحدانی‌فر<sup>۱</sup>

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بجنورد

### چکیده

هر یک از قالب‌های شعر فارسی از ویژگی‌های سبکی، ساختاری و محتوایی خاصی برخوردارند که شناخت این ویژگی‌ها باعث درک درست‌تر از آن قالب‌ها می‌شود. اوحالدالدین انوری ابیوردی (۵۷۵ ه. ق.) یکی از شعرای بزرگ زبان فارسی در قرن ششم هجری است که دیوان شعری او در قالب‌های گوناگون قصیده، غزل، قطعه و رباعی سروده شده است. سبک انوری در اشعار و بخصوص در رباعیاتش، حد واسط سبک-های خراسانی و عراقی است. از آنجا که هر قالب شعری در ادبیات نقش قراردادی خاص خود را ایفا می‌کند، رباعی نیز از قالب‌های اصیل زبان فارسی است که در خدمت مضامین مختلف از قبیل: گذرا بودن عمر، مضامین عشقی، موضوعات فلسفی، عرفانی و آموزه‌های تعلیمی قرار گرفته است. تحقیقات مربوط به رباعیات، بیانگر این است که اغلب رباعیاتی ماندگارند که از لحاظ ساختاری سه عنصر توصیف، توصیه و تعلیل و از لحاظ مفهومی، مفاهیم فلسفی، اغتنام فرصت، مضامین تعلیمی، عرفانی و عشقی را داشته باشند. در این جستار با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای به بررسی ساختار و درون‌مایه ۱۰۰ رباعی از رباعیات انوری<sup>۱</sup> پرداخته شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در ساختار رباعیات انوری سه الگوی توصیف، توصیه و تعلیل بدرستی رعایت شده است. انوری از نظر درون‌مایه، نیز موضوع-های مختلفی از جمله مفاهیم فلسفی، عرفانی، عشقی، اغتنام دم و مضامین تعلیمی را دستمایه مضمون‌سازی خویش قرار داده است که از این منظر رباعی‌های وی از تنوع مضمونی برخوردارند. مجموع این ویژگی‌ها، باعث استواری رباعیات این شاعر شده است، تا جایی که می‌توان رباعی‌های انوری را از جمله درخشان-ترین رباعیات شعر فارسی به شمار آورد.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۵/۰۶

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۱۵

<sup>۱</sup> - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: o.vahdanifar@gmail.com

واژه‌های کلیدی: انوری ابیوردی، رباعیات، شعر فارسی قرن ششم، ساختار، درون‌مایه.

## ۱- مقدمه

رباعی یکی از کوتاه‌ترین قالب‌های شعری زبان فارسی است که بیشتر شاعران در آن طبع‌آزمایی کرده‌اند. به باور برخی از پژوهشگران، رباعی از قالب‌های شعری ایرانی است که پیش از اسلام - البته نه به صورت کمال‌یافته امروز - رواج داشته و از زبان کوچه و بازار به کلام آهنگین مشایخ صوفیه راه یافته است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۱۱). این قالب شعری بر یک وزن اصلی و با تنوع یازده زحاف آن وزن، در طول مدت حیات خود ثابت مانده است. درواقع، «اگر همه رباعیات زبان فارسی را تقطیع کنیم به دوازده وزن برخورد می‌کنیم که یکی از آنها اصلی و بقیه وزن تقطیعی است، اوزان یازده‌گانه تقطیعی با استفاده از دو اختیار شاعری (تسکین) و (قلب) به وزن اصلی یعنی «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فَعَلُ» (بحر هزج اخرب مکفوف مجبوب) تبدیل می‌شوند» (شمیسا، ۱۳۶۶: ۵۵). اختراع وزن رباعی نیز به رودکی نسبت داده شده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۴۶۷).

امروزه در سرودن رباعی شاعر خود را مقید به داشتن چهار قافیه نمی‌کند، اما «قدما در گفتن رباعی اغلب ملتزم بودند که هر چهار مصراعش قافیه داشته باشد و در میان متأخران، آن قید برخاسته و آن رسم مراعات نشده است» (همایی، ۱۳۷۹: ۴۰۶)، آرتور کریستن‌سن (Arthur Christensen) (۱۸۷۵ - ۱۹۴۵)، ایرانشناس دانمارکی که مطالعات عمیق و ارزشمندی درباره رباعی دارد، در مقدمه رباعیات خیام چنین می‌گوید: «رباعی‌ها دایره‌المعارف منظوم حیات فکری ایرانی است و از این جهت رباعیات ایرانی شایان دقت فراوان است» (کریستن‌سن، ۱۳۷۴: ۱۹۸). بنابر آنچه ذکر شد، رباعی یکی از کهن‌ترین و اصیل‌ترین قالب‌های شعر فارسی است که به مرور زمان مفاهیم و معانی مختلف بشری را در خود بازتاب داده است و همچنین، اندیشه‌های ناب ایرانی

را با بیانی ساده و دل‌نشین دربر دارد. این قالب شعری از نظر محتوا، علی‌رغم فضای محدود خود بسیاری از مضامین از قبیل: فلسفه، عشق، اخلاق، سیاست، تعلیم، طنز، هجو و رثا را در خود داراست. معمولاً در قالب رباعی از صنایع لفظی و بدیعی کم‌تری نسبت به قالب‌های دیگری همچون قصیده و غزل استفاده می‌شود.

### ۱-۱- بیان مسأله

انوری ابیوردی شاعر نامدار خراسان در قرن ششم هجری در میان مردم عصر خود جایگاه ویژه‌ای چون سعدی در قرن هفتم و حافظ در قرن هشتم دارد. چنانکه بعدها او را در کنار فردوسی و سعدی یکی از سه پیامبر شعر فارسی<sup>۲</sup> معرفی می‌کنند (صفا، ۱۳۸۸: ۲ / ۶۶۸). از انوری دیوانی حاوی تقریباً چهارده هزار بیت با زبانی ساده و روان به جا مانده است. دیوان او ضمن مدح و ستایش بزرگان عصر، سرشار از استشهادات قرآنی، روایی و آموزه‌های دینی است که آراء و افکار او را انعکاس می‌دهد. همچنین بازتاب ارزش‌ها و فرهنگ اخلاقی، تاریخی و اجتماعی عصر او است.

انوری در اغلب قالب‌های شعری و از جمله «رباعی»، طبع‌آزمایی کرده است. با توجه به این‌که تاکنون رباعیات انوری از دیدگاه ساختاری و مفهومی مورد بررسی واقع نشده است، این جستار با هدف نمایاندن ارزش رباعیات این شاعر انجام می‌گیرد. در این پژوهش، از میان ویژگی‌های گوناگون قابل بررسی در قالب رباعی، از لحاظ ساختاری با توجه به کاربرد سه سازه توصیف، توصیه، تعلیل و از جنبه مفهومی با توجه به کاربرد مفاهیمی چون: وصف معشوق، ناله از هجران، اغتنام دم، تعلیم عشق و بیان حالات شخصی در معرض واکاوی قرار می‌گیرد تا پاسخ این سؤال به دست آید که آیا رباعیات انوری دارای مفاهیم بلند عارفانه و عاشقانه و همچنین مضامین فلسفی، تعلیمی و ساختار محکم با استفاده از سه سازه توصیف، توصیه و تعلیل هستند؟ سعی

بر این است تا با بررسی شواهدی از رباعیات انوری، به روش توصیفی و تحلیلی، ادعای ارزش‌مندی رباعی‌های این شاعر که هدف این پژوهش است اثبات شود.

#### ۱-۲- پیشینه تحقیق

از میان کتاب‌های برجسته در زمینه قالب «رباعی» می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: شمیسا در کتاب «سیر رباعی در شعر فارسی» (۱۳۷۴) به معنای واژه رباعی، شاعران رباعی‌گوی، وزن رباعی و نظریه‌پردازان معروف رباعی به طور مفصل پرداخته است. میرافضلی در «جنگ رباعی» (۱۳۹۴) بازیابی و تصحیح رباعیات کهن زبان فارسی را مدنظر داشته است. مرادی و افشین وفایی در «سفینه کهن رباعیات» (۱۳۹۵) ۱۲۵۰ رباعی را جمع‌آوری کرده‌اند؛ محققان این اثر، توانسته‌اند تعداد زیادی رباعی نو و رباعی سرایان ناشناس را به جمع شعر فارسی و شاعران فارسی‌گوی بیافزایند. همچنین میرافضلی در کتاب «چهار خطی» (۱۳۹۶) به طیف متنوعی از موضوعات حوزه رباعی از تاریخ رباعی تا دهه ۹۰ شمسی پرداخته است.

در مورد تحلیل رباعی در آثار شاعران زبان فارسی از نظر ساختار، مفهوم و مضامین تاکنون مقالات زیادی نوشته شده است که برخی از آن‌ها چنین‌اند: یارمحمدی در مقاله «ساخت گفتمانی و متنی رباعیات خیام و منظومه انگلیسی فیتز جرالده» (۱۳۸۳) با توجه به وجود هم‌آهنگی و اشتراک در ویژگی‌های گفتمانی و متنی رباعیات خیام و منظومه انگلیسی فیتز جرالده، برخی از مختصات گفتمانی و متنی را برای تحلیل رباعیات خیام و نشان دادن زمینه‌های موفقیت منظومه انگلیسی فیتز جرالده مورد بررسی قرار داده است. خاتمی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «از ساختار معنادار تا ساختار رباعی (نگاهی جامعه‌شناختی به ارتباط میان جهان‌بینی عصر رودکی با ساختار رباعی)» (۱۳۸۹) سعی کرده‌اند تا با استفاده از نظریه ساختارگرایی تکوینی لوسین گلدمن (LucienGoldmann) نشان دهند که چگونه قالب رباعی از ساختاری منطقی

برخوردار است. زارع ندیکی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل رباعیات مولوی از منظر داستانی» (۱۳۸۹) عناصر داستانی نظیر: زاویه دید، طرح، گفت‌وگو، شخصیت‌پردازی و فضا را در رباعیات مولوی بررسی کرده است. همچنین مشهدی و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان «سبک‌شناسی فکری رباعیات مولانا» (۱۳۸۹) به این نتیجه رسیده‌اند که عشق، پرده‌ترین درون‌مایه رباعیات مولوی است. رشیدی و انصاری در مقاله «بررسی ساخت کلان دوبیتی‌های باباطاهر همدانی» (۱۳۹۰) از منظر گفتمانی به بررسی دوبیتی‌های بابا طاهر پرداخته‌اند. داوودی‌پور و دادبه نیز در مقاله‌ای با نام «بررسی و تحلیل تمثیل‌های تعلیمی وحدت وجود و تجلی در شرح رباعیات جامی» (۱۳۹۱) کاربرد تمثیلات تعلیمی را در رباعیات جامی بررسی کرده‌اند. هر چند که درباره شعر انوری پژوهش‌های زیادی صورت گرفته، اما تاکنون تحقیق مستقلی در زمینه بررسی ساختاری و مفهومی رباعیات وی انجام نشده است. از این‌رو، پژوهش حاضر گامی تازه برای شناخت سبک شعری رباعیات انوری و زوایای پنهان شعر سده ششم محسوب می‌شود.

## ۲- بحث

### ۲-۱- مختصری درباره زندگی انوری

درباره زندگی انوری میان فضلای ادب فارسی در نام شاعر، نام پدر، زمان تولد، آثار، استاد، محل تولد و زیست اختلاف است. اما مطابق آخرین پژوهش‌ها «نام او محمد و نام پدر وی علی بوده است. او دو لقب «فریدالدین» و «انوری» داشته است که انوری را در دوران کمال شاعری خویش برگزیده است یا به او داده‌اند و قبلاً «خاوری» تخلص می‌کرده است» (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۵: ۵۰).

وی در یکی از دهات نسبتاً کوچک ناحیه «ابیورد» تولد یافته است که «باورد» بخشی از ناحیه وسیع‌تری است که آن ناحیه را «خابران» یا «دشت خاوران» می‌نامیده‌اند

و مجموعه دشت خاوران از اعمال سرخس به شمار می‌آمده است که در دو فرسنگی میهنه - زادگاه ابوسعید ابوالخیر - قرار داشته است و اکنون مجموعه این سرزمین در خاک ترکمنستان است.

انوری از مجموعه معارفی چون ریاضیات، نجوم، هیئت، منطق و ... دارای تحصیلات بسیار عالی بوده است. از جمله تألیفات وی احتمالاً کتابی در حکمت و نجوم با فصول متعدد است.

علاوه بر این، بعضی بر آن‌اند که انوری شرحی بر اشارات ابن سینا به نام *البشارات فی شرح الاشارات* نوشته بوده است. «انوری بالغ بر سی سال زندگی مرفهی داشته و در محیط خانواده‌ای بزرگ شده است که پدر وی رئیس میهنه بوده است و ارث پدر را در جوانی صرف عیش و خوشگذرانی کرده و پس از مدتی تهی دست شده است. وی در ربع اول قرن ششم متولد شده و در ربع آخر آن قرن درگذشته است. سال وفات او نیز مانند سال تولدش، مورد اختلاف اهل تاریخ و تذکره‌ها بوده است و به احتمال قوی در بلخ درگذشته و همانجا به خاک سپرده شده است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۲۹).

## ۲-۲- شاعری و شعر انوری

انوری در ردیف بزرگ‌ترین سخن‌سرایان ایران قرار داشته و استادی و سرآمدی وی در شعر مسلّم بوده است؛ به گونه‌ای که شاعران بعد از او از جمله مجد همگر وی را به استادی ستوده‌اند (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۱۲۸) و «او را یکی از رسل ثلاثه سخن و استاد فن دانسته‌اند» (نواب صدیق، ۱۳۸۶: ۱۱۱). طبع گشاده و سخن سحرآفرین انوری، عوفی را به تحسین واداشته است: «شاگرد مکتب فضایل او بخت جوان و رای پیر تیر بر آسمان در پیش طبع راست او کمان بوده است. فضایل سخن، سخره بیان او بود و مرکب فصاحت زیر ران او، تمام قصاید او مصنوع است و مطبوع و هیچ کس را انگشت بر یکی از آن نتوان نهاد» (عوفی، ۱۳۲۴: ۲ / ۱۲۶).

شاعران و ادیبان هم‌روزگار انوری وی را به سخن‌سرایی و چیره‌دستی مورد خطاب قرار داده‌اند؛ از جمله حکیم شجاعی وی را «شاه شاعران» و «امیر سخن» می‌خواند (انوری، ۱۳۳۷: ۲ / ۷۲۸). مهم‌ترین شیوه سخن‌سرایی انوری در شعر همان ابداع سبک نزدیک کردن زبان و بیان شعری به زبان محاوره عمومی و زبان تخاطب بوده است، سبکی که پس از یک قرن سیر تکاملی به صورتی عالی و خوش‌تراش بر زبان سعدی شیرازی جلوه کرد (فروزانفر، ۱۳۸۷: ۳۳۸).

در مجموع، انوری سادگی و روانی کلام خود را با خیالات دقیق غنایی به هم آمیخته و غزل‌های بسیار زیبا و مطبوع و دل‌انگیز پدید آورده و مانند ظهیر فاریابی عمل کرده است و آن را پیش از ظهور سعدی به اوج رسانیده و راه را برای خیالات دقیق و مضامین عالی سعدی هموار ساخته است (صفا، ۱۳۸۸: ۲ / ۱۸۷) و این همان است که والتین ژوکوفسکی (Valentin Zhukovsky)، محقق برجسته روس، از آن با عنوان «واپسین نفخه قو» یاد کرده است (براون، ۱۳۸۶: ۲ / ۷۰) و البته نباید فراموش کنیم که هجو روی دیگر سکه شعر انوری بوده و شاعر دمار از سر ممدوحی که از دادن صله مورد نظر او خودداری می‌کرده، درمی‌آورده است و گاه او از این هجویه‌سرایی‌ها چه از نوع شهرآشوب آن مثل هجو مردم بلخ و چه از نوع هجو بزرگان آسیب‌ها می‌دیده و مجبور به عذرخواهی می‌گشته است (جامی، ۱۳۸۱: ۶۸؛ خوافی، ۱۳۸۶: ۲۱۰). سبک انوری در اشعارش به ویژه در رباعیات وی واسطه سبک خراسانی و عراقی است؛ بدین معنا که او با تکمیل سبک شاعری ابوالفرج رونی، راه را برای سبک عراقی هموار کرده است.

## ۲-۳- مبحثی پیرامون رباعی

رباعی منسوب به «رباع»، به معنای چهارتایی و چهارگان و در اصطلاح، شعری است دارای چهار مصراع بر وزن «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فَعَلُ». این قالب شعری نام‌های



دیگری نیز دارد که عبارتند از: دوبیتی، ترانه، چهاردانه و چهارخانه. درباره منشأ رباعی مباحث مختلفی مطرح شده است. برخی آن را به روایتی تاریخی منسوب کرده‌اند (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۵: ۲۷). برخی نیز اعتقاد دارند که رباعی شکل تکامل یافته یک قالب شعری پیش از اسلام است که در آغاز برای مردم آشنا بود. زیرا اولاً در منابع قدیم به اینکه رباعی را از زبان مردم کوچه و بازار گرفته‌اند، اشاره شده است و ثانیاً دوبیتی که نظیر رباعی است، شعری بود به لهجه‌های محلی که از گذشته‌های دور بر زبان مردم جاری بود (شمس قیس رازی، ۱۳۸۸: ۱۱۲ - ۱۱۳).

این قالب شعری ظرفیت آن را دارد که عواطف و تفکرات شاعر را در کوتاه‌ترین زمان با صراحت بازتاب دهد. همچنین نسبت به قالب‌های دیگر از انسجام و هماهنگی بیشتری بین مصراع‌ها برخوردار است. به قول شمیسا رباعی «تشکل و وحدتی دارد به طوری که نمی‌توان بیت دوم آن را یک بیت مستقل و مثلاً به عنوان شاهد مثال ذکر کرد؛ زیرا با بیت اول ارتباط معنایی و حتی لفظی محکمی دارد» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۲۱۷) و این نکته سبب می‌شود تا وحدت و انسجام بیشتری بین مصراع‌ها برقرار شود. به هر ترتیب، رباعی یکی از کوتاه‌ترین، اصیل‌ترین و قدیمی‌ترین قالب‌های شعر فارسی است که ساخته و پرداخته ذهن ایرانیان است و بیشتر شاعران زبان فارسی از جمله انوری در آن طبع آزمایی کرده‌اند.

سراینده رباعی باید تابع اصولی باشد و شرایطی را در شعر خود در نظر داشته باشد تا رباعیش ماندگار شود. این نکته‌ای است که حتی از نگاه شاعران و منتقدان شعر نو نیز دور نمانده است. برای نمونه، اخوان ثالث درباره ساختار رباعی می‌نویسد: «شعر خوب امروز مثل ساختمان یک رباعی استادانه است که هر مصراع وظیفه‌ای خاص در مجموع هماهنگ شعر دارد. برای رساندن معنی و ضرب آخر که در مصراع آخر می‌آید» (اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۲۷۲). دلیل استواری ساختمان رباعی را مایل هروی در مقدمه شرح رباعیات جامی چنین بیان می‌کند: «رباعی شکل یک قضیه منطقی را دارا

است؛ به گونه‌ای که سه مصراع اول آن به حیث صغری و کبری طرح شده و مصراع چهارم نتیجه آن می‌شود. درواقع مصراع چهارم از پختگی مصراع قبلی، پرورش می‌یابد» (جامی، بی تا: ۲).

همان‌گونه که از گفتار مایل هروی برمی‌آید، این، مصراع چهارم است که بار معنایی سه مصراع قبل را به دوش می‌کشد. بنابراین، در رباعی اغلب رابطه علی و معلولی میان مصراع‌ها به وضوح دیده می‌شود. این قالب شعری به دلیل داشتن ساختار منطقی و منسجم، قابلیت انعکاس جهان‌بینی سراینده خود را دارد. اگر به آثار شاعران، عارفان شاعر، صوفیان و طبیبان بنگریم، این مطلب نمایان است که از قالب رباعی تقریباً تمام این قشرها استفاده کرده‌اند. زیرا «گفتن رباعی که مستلزم چهار مصراع و یک قافیه است، طبعاً آسان‌تر از پرداختن به قصیده و غزل است و بالتیجه اشخاص زیادی (حتی آن‌هایی که شاعری را حرفه خود نساخته‌اند) در مقام تقلید و پیروی برآمده‌اند» (دستی، ۱۳۸۹: ۱۹۲)؛ به طوری که در قرون اخیر و حتی امروزه می‌بینیم که رباعی مورد اقبال واقع می‌شود. از گذشته‌های دور عده زیادی از اطباء نیز در شعر طبع آزمایی کرده‌اند که یکی از آن‌ها طبیب اصفهانی است و از معاصران نیز دکتر هوشنگ بدیعی از جمله این افراد است.

به طور کلی، می‌توان گفت که رباعی بهترین قالب برای بیان اندیشه‌های شاعرانه در لحظه‌های زودگذر است. شعری که ادامه و امتداد ندارد و برای بیان حالات در لحظات کوتاه به کار می‌رود.

به اعتقاد تاکی (۱۳۹۲) رباعی برای این که ماندگار شود، حداقل باید چهار ویژگی زیر را داشته باشد:

۱- ایجاز ذاتی: ایجاز جزو ذاتی رباعی است. هرچه رباعی موجزتر باشد، هنری‌تر خواهد بود. همانند گنجاندن دریا در جام کوچک. آن‌گونه که همایی می‌گوید: «رباعی خوب گفتن در واقع بحر را در کوزه جای دادن است، چرا که شاعر باید مطلبی مهم یا

فکر بسیار عمیق و مضمون تازه لطیف دل‌پسند را در دو بیت - آن هم مقید به وزنی خاص - پروراند» (همایی، ۱۳۷۹: ۸۶).

۲- ترکیب سنجیده کلمات: واژه‌گزینی صحیح و چیدمان درست این واژه‌ها در کنار هم، باعث ایجاد فضایی روشن می‌شود. این دو عامل دلیل ماندگاری رباعیات خیام در تاریخ ادبیات جهان است. خیامی که تعداد رباعیات آن در مقایسه با دیگر شاعران بسیار ناچیز است.

۳- حفظ الگوی وزن رباعی: شاعر برای سرودن رباعی باید الگویی را رعایت کند تا شعرش ماندگار شود. الگوی رباعی مرکب است از توالی بیست واحد عروضی که در بعضی جاهای این توالی، می‌توان هجاهای بلند را به جای هجای کوتاه جایگزین کرد. در نتیجه شمار واقعی هجاها در یک مصراع ممکن است بین ده تا سیزده هجا تغییر کند. این تنوع وزن، انعطاف‌پذیری خاصی به رباعی بخشیده که احتمالاً از دلایل رواج و محبوبیت بسیار آن بوده است (بروین، ۱۳۷۸: ۱۷-۱۸).

۴- فرازمنند بودن مصراع چهارم: شعری که چهار مصراع بیشتر نیست، باید به گونه‌ای پایان پذیرد که تأثیری جاویدان بر ذهن مخاطب بگذارد. از این رو، مصراع‌های اول و دوم، مقدمه است بر فضای اندیشه که با مصراع سوم وسعت می‌یابد تا حرف اصلی و لطافت سخن شاعر در مصراع چهارم بر ذهن حک شود. فرازمنند بودن مصراع چهارم رباعی مورد توجه بسیاری از شاعران بوده است.

انوری ایبوردی نیز از قالب «رباعی» بهره برده است. او شاعری توانا است که رباعیاتی ماندگار و منطبق با اصول رباعی‌سرایی سروده است. به گونه‌ای که در دیوان او ۴۵۰ رباعی موجود است. در ادامه به بررسی ساختاری و مفهومی برخی از این رباعیات (۱۰۰ رباعی نخست دیوان) وی پرداخته می‌شود.

## ۲-۴- بررسی ساختاری رباعیات انوری

در میان اشعار دیوان انوری، اغلب قصاید و قطعات وی مورد توجه و بررسی پژوهشگران بوده است و در این بررسی‌ها نیز عموماً با شرح قصاید و قطعات مواجهه-ایم. اما آنچه مسلم است، معنای شعر تنها در ساختار آن وجود دارد، ساختار و معنای شعر از هم تفکیک‌ناپذیرند و آنچه به شعر معنا می‌دهد، دقیقاً همانی است که وجود دارد. به عبارت دیگر: «اثر شاعرانه دلالت معنایی یگانه‌ای دارد و ساختارش اصیل است و ساده نشدنی ... نخستین منش دلالت معنایی شعر این است که هیچ‌گونه دگرگونی ممکن را در زبانی که بدان بیان می‌شود، نمی‌پذیرد ... و تا بخواهیم که آن را از شکلی که به خود گرفته است جدا کنیم، از میان می‌رود» (احمدی، ۱۳۸۸: ۷۴ - ۷۵). بنابراین، با توجه به اهمیت ساختار هر قالب شعری، در این قسمت از میان ویژگی‌های گوناگون قابل بررسی در قالب رباعی، رباعیات انوری از لحاظ ساختاری با توجه به کاربرد سه سازه توصیف، توصیه و تعلیل بررسی می‌شود:

الف) توصیف: در بخش «توصیف»، شاعر معمولاً گوشه‌ای از طبیعت یا وقایع را وصف می‌کند.

ب) توصیه: در مبحث «توصیه»، شاعر توصیه‌ای به مخاطب می‌کند و در ادامه طریقی ارائه می‌دهد.

ج) تعلیل: در بحث «تعلیل»، شاعر دلایلی در توجیه توصیه می‌آورد.  
تعبیر مربوط به سه عنصر مذکور، در شاهد مثال‌های داده شده به ترتیب در داخل  
کروشه [ ]، پرانتز ( ) و دو خط مایل // آورده می‌شود:

[ای دل چو شب جوانی و راحت و تاب / از روی سپیده دم برافکند نقاب]  
(بیدار شو این باقی شب را دریاب) / ای بس که بجویی و نیایش به خواب /  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۶۱)

عنصر توصیف: بیت اول رباعی بالا، دوران جوانی را وصف می‌کند.

عنصر توصیه: مصراع سوم توصیه می‌کند؛ همانگونه که دوره جوانی پس از مدتی به پایان می‌رسد، بنابراین تو نیز به خود بیا و باقی‌مانده عمرت را دریاب.

عنصر تعلیل: شاعر برای توصیه خود توجیه و تعلیلی می‌آورد و آن این‌که: در صورت درک نکردن باقی عمر، چه بسا دوران عمر و جوانی‌ات را از دست بدهی و حتی آن را در خواب هم نیابی. در رباعی زیر نیز، سه عنصر مذکور مشاهده می‌شود:

[هم طبع ملول گشت از آن شعر چو آب      هم رغبت از آن شراب چون آتش ناب]  
(ای دل تو عنان ز شاهدان نیز بتاب) / کاریست و رای شاهد و شعر و شراب /  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۶۲)

نمونه‌های دیگر که از هر سه عنصر به گونه‌ای مرتب و آشکار استفاده شده باشد در سایر رباعی‌های انوری نیز دیده می‌شود. قابل ذکر است که معمولاً انوری «تعلیل» را در مصراع پایانی رباعیاتش می‌آورد. اما نمونه‌هایی نیز در رباعیات وی به چشم می‌خورد که در آن‌ها یک یا دو سازه از این سازه‌ها به کار رفته است. به طور مثال:

#### ۲-۴-۱- کاربرد پررنگ عنصر «توصیف»

بوظالب نعمه ای سپهرت طالب      بر تابش آفتاب رایت غالب  
در دور زمانه یادگاری نگذاشت      بهتر ز تو گوهری علی بوظالب  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۶۲)

در رباعی بالا، عنصر «توصیف» به عنوان عنصر کاربردی اصلی جلوه کرده است.<sup>۳</sup>

#### ۲-۴-۲- کاربرد پررنگ عنصر «توصیه»

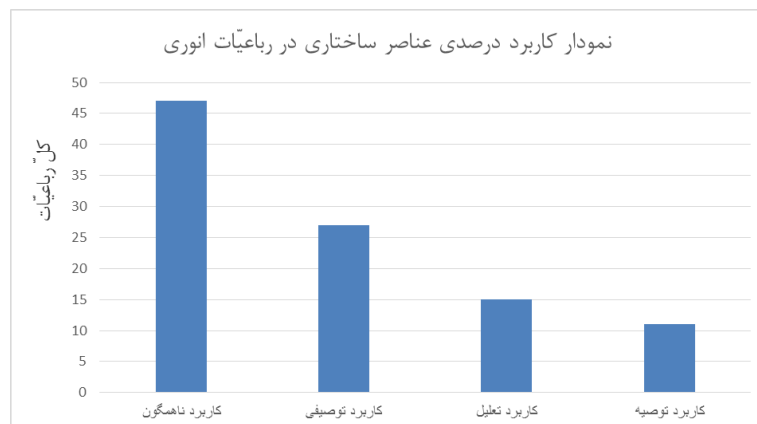
پیوسته حدیث من به گوشت بادا      قوتم ز لب شکر فروشت بادا  
بی من چو شراب ناب گیری در دست      شرمتم بادا ولیک نوشت بادا  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۶۱)

در رباعی ذکر شده، عنصر «توصیه» و ارائه طریق به عنوان عنصر اصلی خودنمایی می‌کند و کاربردش کاملاً واضح است.<sup>۴</sup>

#### ۲-۴-۳- کاربرد پررنگ عنصر «تعلیل»

دوشینه شب ارچه جانم از رنج بکاست  
چون تو به عیادت آمدی رنج رواست  
بر بوی عیادت تو امشب همه شب  
ز ایزد به دعا درد همی خواهم خواست  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۶۳)

در رباعی بالا عنصر «تعلیل» به عنوان عنصر اصلی نمودی آشکار دارد.<sup>۵</sup> در باقی این رباعیات، سه عنصر توصیف، توصیه و تعلیل به صورتی ناهمگون به کار رفته‌اند. حاصل این‌که از کل ۱۰۰ رباعی مورد بحث، در ۲۷ رباعی عنصر توصیف (۲۷ درصد)، ۱۵ رباعی عنصر تعلیل (۱۵ درصد) و ۱۱ رباعی عنصر توصیه (۱۱ درصد) نمود بارزتری دارد و در ۴۷ رباعی باقی‌مانده، این عناصر به صورت ناهمگون (۴۷ درصد) به کار رفته‌اند. کاربرد سه عنصر مذکور در رباعیات انوری در قالب نمودار زیر نمایش داده می‌شود:



## ۲-۵- بررسی درونمایه رباعیات انوری

پیش از بیان اندیشه‌ها و مضامین شعری در رباعیات انوری، به رابطه بین شعر و اندیشه اشاره می‌شود که در این زمینه بوریس پاسترناک (Boris Pasternak) گفته است: «فوق‌العاده‌ترین کشف‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که وجود هنرمند لبریز از چیزی گفتن است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۴). معنای این سخن آن است که شاعر باید نخست چیزی برای گفتن داشته باشد. زیرا اندیشه جوهر اصلی شعر است که راهی برای بیرون رفتن از ذهن آدمی جستجو می‌کند. بنابراین، ملاحظه می‌شود که حضور اندیشه در شعر امری جدی است و بدون شک باورهای موجود در ذهن هنرمند، اندیشه او را شکل می‌دهد و اندیشه شاعر نتیجه یافته‌ها، تجربه‌ها و محک‌های عقیدتی اوست که سبب آفرینش‌های هنری می‌شود. انوری نیز قالب رباعی را دستمایه‌ای برای مضمونسازی خود از هر چیزی در عالم طبیعت یا ذهن خود قرار داده است که مهم‌ترین اندیشه‌ها و درونمایه‌های موجود در رباعیات وی را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

## ۲-۵-۱- وصف ممدوح / معشوق و یا توصیف بهار (توصیف)

توصیف از نخستین موضوع‌هایی است که شاعران پارسی‌گوی از جمله انوری طبع خود را بدان آزموده‌اند و در این میان، وصف ممدوح و یا معشوق از مضامین فراگیری است که می‌توان گفت در تمامی قالب‌های شعر فارسی یافت می‌شود، اما در قالب رباعی هم عارفان شاعر و هم سایر شاعران با این مضمون هنرآفرینی کرده‌اند. در رباعیات انوری نیز این مضمون جایگاه خاص خود را دارد. دو رباعی زیر نمونه‌ای از این مضمون می‌باشد که اولی به توصیف ممدوح و دومی به وصف معشوق اختصاص یافته است:

بوطالب نعمه ای گشاده‌دل و دست      با دست و دلت بحر و فلک ناقص و پست  
هر زیور کان خدای بر جدّ تو بست      جز نام پیمبری دگر جمله‌ت هست  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۶۵)

مدح در کنار شعر عاشقانه و شعر عارفانه رایج‌ترین مضمون در ادبیات به ویژه شعر فارسی است و هر چند که برخی از مدایح به صورت مبالغه‌آمیز بیان شده‌اند، اما از طرف دیگر، این مدیحه‌سرایی‌ها فواید زیادی نیز برای فرهنگ و ادب فارسی داشته است. از مهم‌ترین محاسن حضور مدیحه‌سرایی در شعر فارسی این است که با بررسی آن، ویژگی‌های تاریخی و اجتماعی هر دوره، به خوبی آشکار می‌شود.

دی می‌شد و از شکوفه شاخی در دست      گفتم به شکوفه وعده بود این آن هست  
برگشت و به طعنه گفت ای عشوه‌پرست      نشنیدی که هر چه بشکفت نه بست  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۶۵)

در مواردی نیز مشاهده می‌شود که انوری به ذمّ ممدوح خود پرداخته است. از جمله در رباعی زیر:

با بخل بود به غایتی پیوندت      کز قوت حکایتی کند خرسندت  
وینک ز بلای بخل تو ده سال است      تا نشخور شیر می‌کند فرزندت  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۶۲)

حتّی گاهی در هنگام ذمّ ممدوح کلمات رکیک نیز به کار می‌برد. برای نمونه مراجعه شود به رباعی شماره ۴۲. انوری در برخی از رباعیاتش به رثاء ممدوح خود نیز پرداخته است. از جمله در رباعی زیر:

سلطان که جهان به عدل آراست برفت      سرو چمن ملک بپیراست برفت



چون کژرویی بدید از دور فلک کژ را به کژان داد و ره راست برفت  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۷۰)

رباعی شماره ۸۸ نیز در سوگ ممدوح انوری سروده شده است. گاهی هم به دعای  
ممدوح پرداخته است:

همواره چو بخت خود جوانی بادت چون دولت خویش کامرانی بادت  
ای مایه زندگانی از نعمت تو این شربت آب زندگانی بادت  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۶۳)

در رباعی‌های شماره ۱ و ۱۰۰ نیز به دعای ممدوح پرداخته شده است.  
به‌طور کلی، درونمایه‌های مدحی در قالب رباعی از زمان آغاز پیدایش این نوع  
شعر وجود داشته و شاعرانی چون عنصری، امیرمعزی، ازرقی و ... با سرودن  
رباعیات مدحی در حالات و موقعیت‌های مناسب صله‌های فراوانی گرفته‌اند. از  
آنجا که خواندن و سرودن رباعی وقت چندانی نمی‌خواهد، شاعران مترصد صله  
غالباً در مواقع غیررسمی از همین شکل شعری برای مدح استفاده کرده‌اند (شمیسا،  
۱۳۷۴: ۲۰۵).

با نگاهی گذرا به رباعیات انوری، مشاهده می‌شود که مدح و مدیحه‌سرایی از  
پربسامدترین مضامین در اشعار اوست.

۲-۵-۲- ناله از هجران، فراق و شکایت از جفای معشوق و یا بیان غم و اندوه  
ناشی از عشق و روزگار و همچنین حسرت به گذشته (بیان غم و اندوه)  
عشق بی‌تردید مضمون مشترک شعر همه شاعران و پربسامدترین درونمایه در دیوان-  
های آن‌ها بوده است. شاید علتش این است که جوهر وجود آدمی، همین عشق است و  
تقریباً هیچ شاعری نتوانسته به نحوی از آن متأثر نگردد (رضوانیان و خلیلی، ۱۳۹۲:

۱۴۰). یکی از درونمایه‌های رایج عاشقانه در رباعیات انوری «هجران» است. نالیدن از هجر یار در واقع مضمونی است که بیشتر در غزلیات به آن پرداخته می‌شود، اما شاعران این مضمون را در قالب رباعی نیز بیان کرده‌اند و ثابت کرده‌اند که قالب رباعی دارای ظرفیتی خوب برای بیان این مضمون نیز هست. در رباعی زیر از انوری این مضمون به خوبی بیان شده است:

ای هجر مگر نه‌ایتی نیست تو را      وی وعده وصل غایتی نیست تو را  
ای عشق مرا به صد هزاران زاری      کشتی و جز این کفایتی نیست تو را  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۶۱)

انوری در رباعی بالا، هم از طولانی شدن درد هجران می‌نالند و هم از درد عشق شکوه می‌کند. معمولاً شکایت از جفای معشوق در شعر بیشتر شاعران دیده می‌شود که گاهی معشوق زمینی و گاه آسمانی بوده است. انوری در رباعی زیر به شکایت از معشوق خود پرداخته است:

آتش به سفال برنهادی ز نخست      پس با خاکم به در برون رفتی چست  
با این همه باد کبر کاندر سر تست      از آب سبو کی آیدم با تو درست  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۶۳)<sup>۷</sup>

بخش زیادی از این درونمایه‌های عاشقانه که در رباعیات انوری بازتاب داشته، همان است که نمونه‌های بسیار آن از نظر اندیشه و محتوا و همچنین از نظر زبان و تصویر در شعر شاعران قبل و بعد از انوری نیز وجود دارد.

## ۲-۵-۳- اغتنام وقت، شادباشی و وصف شراب

یکی از مفاهیم کلیدی شعر قلندرانه و فلسفی، اغتنام فرصت و شادباشی - بخصوص در حوزهٔ رباعی- است. به گونه‌ای که از مشخصه‌های اصلی رباعیات خیام توصیه به استفاده از فرصت اندک عمر و بهره‌گیری از نعمت‌های نقد این جهانی است.

به طور کلی شادباشی و غنیمت شمردن دم و استفاده از می برای فراموش کردن غم دنیا - حتی برای لحظه‌ای کوتاه- در رباعیات بسیاری از شاعران خودنمایی می‌کند. انوری نیز مضمون اغتنام دم، شادباشی و دست به دامن ساقی شدن را در رباعیات خود دارد و از می، ساقی و می‌خوارگی سخن رانده است:

از گردش این هفت مخالف بر هفت      هر هفت درافتیم به هفتاد آگفت  
می ده که چو گل جوانی‌ام در گل خفت      تا کی غم عالمی که چون رفتی رفت  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۷۲)<sup>۸</sup>

#### ۲-۵-۴- فَنای مَنیتِ عاشق در معشوق؛ که منجر به اتحاد این دو می‌شود.

از قرن ششم به بعد بیشتر عرفا از هر فضا و قالبی برای بیان مسائل عرفانی بهره گرفتند تا مفاهیمی از نوع وحدت وجود را که از مفاهیم محوری ادبیات عرفانی است، بیان کنند. در این بین قالب رباعی نیز مورد استفاده رباعی‌سرایان عارفی چون مولوی، عطار و ... قرار گرفت.

انوری نیز این مضمون را در رباعیات خود مد نظر داشته است و با تأییدپذیری از شاعران پیشین از قالب رباعی برای بیان افکار و عقاید خود بهره‌گیری نموده است. آن‌گونه که در رباعی زیر می‌بینیم:

دی با تو چنان شدم به یک خاست و نشست      کز من اثری نماند جز باد به دست  
از شرم بمیرم ار بپرسی فردا      کان دلشده زنده هست گویند که هست  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۶۵)

انوری در این رباعی با اشاره‌ای لطیف، معنی از خود بی‌خود شدن را بیان می‌کند که منجر به یافتن من اصلی (معشوق) و یکی شدن با او می‌شود. در واقع، جمع شدن و یکی شدن با معشوق (خدا) را یادآوری می‌کند.

## ۲-۵-۵- رباعیات خیام‌وار و فلسفی (اندیشه‌های خیامی)

برخی اندیشه‌ها هستند که در شعر خیام، نمود برجسته و آشکار دارند و گرنه بسیاری از آن‌ها در ادبیات و اشعار قبل از خیام نیز به کار رفته‌اند. «صفت خیامی برای فکر و اندیشه‌ای به کار می‌بریم که چاشنی و مایه‌ای از مشرب منسوب به خیام را در خود داشته باشد، چه این فکر مربوط باشد به خیام و چه به زمان او یا بعد از زمان او. این نام‌گذاری برای سهولت در تشخیص موضوع است» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۴: ۱۴۱). اغلب با این قضاوت که رباعیات خیام بیانگر جهان‌بینی او است، در مورد او نظر می‌دهند.

اندیشه‌های خیام به قدری دیگران را تحت تأثیر قرار داده که نجم‌الدین رازی - با این‌که خیام را اهل فضل و حکمت و کیاست می‌داند - به عقاید وی می‌تازد و خیام را دهری و فلسفی و طبایعی می‌داند و می‌گوید: «از غایت حیرت در تیه ضلالت او را جنس این بیت‌ها می‌باید گفت و اظهار نابینایی کرد» (نجم رازی، ۱۳۸۷: ۳۰). «درنگ اندیش‌مندانه خیام در بنیاد هستی و پرسش‌های حیرت‌آلود و جسارت‌آمیز او درباره آدمی بیش از هر چیز دیگر، توجه خیام‌پژوهان را نسبت به او برانگیخته است» (حسن‌لی و حسام‌پور، ۱۳۸۴: ۲). اندیشه خیام در رباعیات وی نمودی کاملاً آشکار دارد و «چیزی که بیشتر ذهن خیام را به خود معطوف داشته، عبارت از مسائل مهمه زندگی، مرگ، قضا، جبر و اختیار بوده» (هدایت، ۱۳۸۲: ۳۴).

این اندیشه‌ها هرچند که به نام خیام و اندیشه خیامی شهرت یافته‌اند، اما برای آن‌ها زمان و مکان خاصی نمی‌توان پنداشت. در اشعار شاعران زیادی این اندیشه‌ها دیده

می‌شود. انوری نیز در سرایش رباعی به افکار و اندیشه‌های خیام‌گونه آشنایی کامل داشته و از این مضامین بهره برده که این اندیشه موجود در رباعیات وی یکی از عوامل ماندگاری رباعیات او شده است:

عیشی که نمودم از جوانی همه رفت      عهدی که خریدم از جهان دمدمه رفت  
هین ای بز لنگ آفرینش، بشتاب      وین سبزه عاریت رها کن رمه رفت  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۷۰)

ای روزی خصم پیش خورد حشمت      جزویست قیامت از نبرد حشمت  
اندیشه پل مکن که جیحون شاها      انباشته شد جمله ز گرد حشمت  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۷۲)

اندیشه‌های فلسفی نیز در میان رباعیات انوری مشاهده می‌شود:

هر چند که بر جزو بود کل غالب      باشد همه جزو کل خود را طالب  
جزویست که کل خویش را ماند راست      بوطالب نعمه از علی بوطالب  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۶۲)

حاصل این بخش از پژوهش این است که: نمی‌توان با تکیه بر رباعیات در مورد عقاید خیام اظهار نظر قطعی کرد. زیرا در شاهد مثال‌های اندک فوق مشاهده شد که نظر نجم‌الدین رازی و مولوی در مورد خیام متضادند. می‌توان با قاطعیت گفت که روش خیام در رباعی‌سرایی الگوی بسیار کسان شده و سرایش رباعی به گونه خیام از دلایل مهم ماندگاری رباعی است. انوری نیز از جمله آن‌هایی است که در سرودن رباعیاتش از خیام و مقلدانش پیروی کرده است. بدین ترتیب، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که فضای فکری انوری در برخی از رباعیاتش به اندیشه‌ها و باورهای خیام نزدیک است و مضامینی چون اغتنام فرصت، خوشباشی، اوصاف می، مرگان‌اندیشی، ناپایداری دنیا و حیرت از جمله اندیشه‌های خیامی است که در رباعیات انوری انعکاس یافته است.

## ۲-۵-۶- آموزه‌های تعلیمی (اجتماعی، دینی و عرفانی)

عارفان شاعر از هر قالب شعری در حدّ توان برای تعلیم مریدان استفاده کرده‌اند و از این بین از قالب رباعی بهره‌ بیشتری برده‌اند. همچنین رباعیاتی که حاوی آموزه‌های تعلیمی هستند، در آثار شاعران زیادی قابل مشاهده‌اند. برخی از آموزه‌های تعلیمی که شاعران به مخاطبان توصیه کرده‌اند، عبارتند از: گوشه‌نشینی و بریدن از خلق که سبب رسیدن به فراغت می‌شود. تشویق به داشتن دل صاف و بی‌کینه، در میان نهادن اسرار جز با اهلش و ... انوری هم در این زمینه طبع‌آزمایی کرده و گاهی مضامینی را به دیگران تعلیم داده است. از جمله در رباعی زیر با توصیه به «قناعت»، برای مخاطبان خود درس زندگی می‌دهد:

دستم که به گوهر قناعت پیوست      پُر بود و نبود از بر وی دست  
با دست طمع مگر شبی عهدی بست      روز دگرش غیرت همت بشکست  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۶۴)

قابل ذکر است رباعیاتی که دارای روح تعلیمی هستند، ماندگارترند. همچنین از اقبال عمومی بیشتری برخوردارند؛ چون همه این نوع مضمون‌ها را قبول دارند و شاعر با سرایش رباعی تعلیمی در نقش یک مصلح اجتماعی ظاهر می‌شود. مضمون تعلیمی در رباعی‌های شماره ۶۰ و ۷۱ نیز دیده می‌شود.

به نظر می‌رسد از آنجا که قالب «رباعی از نظر امکانات صوری آن قدر متوسّع نیست که بتوان در آن مطالب مفصّل عرفانی را گنجاند» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۳۴)، شاید به همین دلیل انوری نیز در رباعیات مورد بحث کمتر به اندیشه‌های عرفانی پرداخته است و روح عارفانه که در سروده‌های بزرگان عرفان ایران وجود دارد، در رباعیات وی دیده نمی‌شود و در موارد اندکی هم که به کار رفته غالباً تکراری و تقلیدی و به گونه‌ای نشان‌دهنده آن است که در باور عرفانی وی، تجربه عملی وجود نداشته و او این دسته از مضامین را صرفاً برای مضمون‌آفرینی و طبع‌آزمایی سروده است.

برجسته‌ترین اندیشه‌های عرفانی در رباعیات انوری عبارت‌اند از: همّت و استغنائی والای سالک، وارستگی و بی‌آلایشی سالک و مجرد بودن سالک. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که انوری در رباعیاتش، از موضوعات عرفانی، به عنوان دستمایه مضمونسازی بهره گرفته، در نتیجه، عرفان او عرفانی ساده و ابتدایی است و آن سوز و گداز عارفانه شاعرانی نظیر: حافظ، مولانا، عطار و ... در میان رباعی‌های او دیده نمی‌شود.

گفته شفیعی کدکنی نیز می‌تواند تأیید کننده این موضوع باشد؛ زیرا «در عصر انوری هنوز فرهنگ تصوف سراسر شعر فارسی را تسخیر نکرده بوده است ... در عصر انوری، اغلب شاعران از فرهنگ تصوف برکنارند و هنوز میراث سنائی و بعضی شاعران گمنام قبل از او، در میان صاحبان فکر و فرهنگ چندان گسترش نیافته است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۵۸ و ۱۱۹).

## ۲-۵-۷- اظهار عجز در مقابل ممدوح

آنچه در مفاهیم و مضامین اشعار فارسی موجود است، بخوبی این نکته را بیان می‌کند که عاشق همیشه در مقابل معشوق، زار و ناتوان است و کاری جز ناله و افغان از او بر نمی‌آید. این مضمون را در رباعیات بسیاری از شاعران می‌توان مشاهده کرد، آن‌گونه که انوری نیز در رباعی ذیل عجز خود را در مقابل ممدوح بیان می‌کند:

گر بنده دو روز خدمت را بگذاشت      نه نقش عیادت تو بر آب نگاهشت  
تقصیر از آن کرد که چشمی که بدان      بیماری چون تویی توان دید نداشت  
(انوری، ۱۳۶۴: ۶۶۹)

هر چند که مضمون عجز اغلب زمانی استفاده می‌شود که معشوق آسمانی است و عاشق جز خاکساری در مقابل او چاره‌ای ندارد و اگر راهی غیر از راه عجز و ناتوانی را بییماید، هیچ وقت به دیدار و وصال معشوق نمی‌رسد، اما انوری در رباعی بالا این

مضمون را برای ممدوح خود به کار برده و از به خدمت نرسیدن به نزد وی عذرخواهی کرده است.

جدول زیر کاربرد مفاهیم ذکر شده در ۱۰۰ رباعی نخست دیوان انوری را بیان می‌کند:

کاربرد درصدی عناصر مفهومی در رباعیات انوری

عنوان مفهوم	تعداد رباعی	درصد از کل رباعیات
توصیف	۴۲	۴۲
غم و اندوه	۴۵	۴۵
اغتنام وقت و وصف شراب	۵	۵
فناى عاشق در معشوق	۱	۱
اندیشه‌های خیامی	۳	۳
آموزه‌های تعلیمی	۳	۳
اظهار عجز در مقابل ممدوح	۱	۱
جمع کل	۱۰۰ رباعی	

### نتیجه‌گیری

انوری یکی از شاعران بزرگ و صاحب سبک زبان فارسی در سدهٔ ششم هجری است که در قالب‌های شعری «قصیده» و «قطعه»، استادی و توانایی وی بیشتر بروز دارد. اگر چه مرتبهٔ وی در قالب «رباعی» ناشناخته مانده، اما با این حال در این قالب شعری هم، خوش درخشیده است؛ زیرا وی نسبت به رباعی هم توجه خاصی نشان داده است، به گونه‌ای که در دیوان او ۴۵۰ رباعی با مضامین مختلف در کنار انواع قالب‌های شعری دیگر دیده می‌شود. سبک انوری در رباعیاتش حدّ واسط سبک‌های خراسانی و عراقی است. زبان او در رباعیات ساده و خالی از هر گونه حشو و زوائد است و از این نظر



بیشتر به سبک خراسانی نزدیک است. نتیجه به دست آمده از بررسی ساختار و درون-مایه صد رباعی اول دیوان انوری، بیانگر نکات ذیل می‌باشد:

الف: از نظر ساختاری، از ۱۰۰ درصد (۱۰۰ رباعی)، سازه توصیف در ۲۷ درصد (۲۷ رباعی)، سازه توصیه ۱۱ درصد (۱۱ رباعی) و سازه تعلیل در ۱۵ درصد (۱۵ رباعی) نمود بارزتری دارند و در ۴۷ درصد دیگر (۴۷ رباعی) از رباعیات، این سه عنصر با هم و به گونه‌ای نامتوازن به کار رفته‌اند.

ب: از نظر درونمایه، رباعی‌های انوری از تنوع مضمونی خاصی برخوردارند و مهم‌ترین مفاهیم یافت شده در آنها به ترتیب کاربرد عبارتند از: ناله از هجران، فراق و شکایت از جفای معشوق و یا بیان غم و اندوه ناشی از عشق، روزگار و همچنین حسرت به گذشته ۴۵ رباعی (۴۵ درصد)، وصف، رثاء، دعا و ذمّ ممدوح، توصیف معشوق و بهار ۴۲ رباعی (۴۲ درصد)، اغتنام وقت، شادباشی و وصف شراب ۵ رباعی (۵ درصد)، آموزه‌های تعلیمی (اجتماعی - دینی) ۳ رباعی (۳ درصد)، عقاید فلسفی و رباعیات خیام‌وار ۳ رباعی (۳ درصد)، اظهار عجز و زاری در مقابل ممدوح ۱ رباعی (۱ درصد) و فنای عاشق در معشوق ۱ رباعی (۱ درصد)، از کل رباعیات را به خود اختصاص داده‌اند. حاصل سخن اینکه: رباعیات انوری مانند رباعی‌های بسیاری از شاعران مشهور رباعی‌سرا از ساختار محکم و درون‌مایه‌های ارزش‌مند با مفاهیم بلند برخوردار است. مجموع این ویژگی‌ها، دلیل جاودانگی رباعیات وی شده است.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- مبنای بررسی و ارجاع رباعیات انوری در این مقاله، رباعیات مندرج در دیوان انوری به کوشش سعید نفیسی است که این پژوهش بر بنیاد آن نگارش یافته است.
- ۲- جامی در کتاب *بهارستان* از قول یکی از شعرا - که به نامش تصریح نشده- انوری را در کنار فردوسی و سعدی، یکی از پیامبران سخن‌شمرده است:  
در شعـر سه تـن پیـمـرانتـنـد هر چـنـد کـه لـائـبـی بـعدی

## بررسی ساختار و درون‌مایه رباعیات انوری ۲۵۱

اوصاف و قصاید و غزل را فردوسی و انوری و سعادتی (جامی، ۱۳۷۹: ۱۴۸)

۳- نمونه‌های مشابه این رباعی، در رباعیات شماره‌های ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۵، ۴۰، ۴۲، ۴۵، ۴۷، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۶۸، ۸۴، ۸۵، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۷ و ۱۰۰ نیز دیده می‌شود.

۴- نمونه‌های دیگر این کاربرد را می‌توان، در رباعی‌های شماره ۱۷، ۵۴، ۶۰، ۶۱، ۶۹، ۷۲، ۷۶، ۸۲، ۹۰ و ۹۸ مشاهده نمود.

۵- نمونه‌های دیگری از کاربرد این عنصر به صورت نمایان، در رباعیات شماره‌های ۲۵، ۳۱، ۳۲، ۴۳، ۴۶، ۵۹، ۶۶، ۷۰، ۷۵، ۷۹، ۸۰، ۸۳ و ۹۶ قابل مشاهده است.

۶- نمونه‌های دیگر وصف ممدوح، معشوق و توصیف بهار در دیوان انوری عبارتند از رباعیات شماره‌های: ۴، ۱۰، ۱۲، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۳، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۷، ۸۰، ۸۳، ۸۵، ۹۶ و ۹۹.

۷- مضمون هجران و شکایت از جفای معشوق و همچنین بیان غم و اندوه ناشی از روزگار و حسرت به گذشته را می‌توان در رباعیات شماره‌های: ۳، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۵۲، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴ و ۹۵ نیز مشاهده نمود.

۸- برای مشاهده نمونه‌های دیگر از این دست مراجعه شود به دیوان، رباعیات شماره‌های: ۶، ۵۴، ۵۵ و ۶۲.

## منابع

### الف) کتاب‌ها

۱. احمدی، بابک، (۱۳۸۸)، ساختار و تأویل متن، چاپ یازدهم، تهران: مرکز.
۲. اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۶۹)، بدایع و بدعت‌ها و عطا و لقای نیما یوشیج، چاپ دوم، تهران: بزرگمهر.
۳. اسلامی ندوشن، محمدعلی، (۱۳۷۴)، جام جهان‌بین، چاپ ششم، تهران: جامی.
۴. انوری ابیوردی، (۱۳۳۷)، دیوان قصاید و غزلیات و مقطعات، تصحیح مدرس رضوی، تهران: بنگاه ترجمه.
۵. \_\_\_\_\_، (۱۳۶۴)، دیوان انوری، به کوشش سعید نفیسی، چاپ سوم، تهران: سگه و پیروز.

۶. براون، ادوارد، (۱۳۸۶)، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشاری، جلد ۲، چاپ هفتم، تهران: مروارید.
۷. بروین یوهانس، توماس پیتر، (۱۳۷۸)، شعر صوفیانه فارسی، ترجمه مجدالدین خوافی، تهران: مرکز.
۸. جامی، نورالدین عبدالرحمان، (۱۳۷۹)، بهارستان و رسائل، تصحیح اعلا خان افصح-زاد و دیگران، تهران: میراث مکتوب.
۹. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۱)، دیوان جامی، مقدمه محمد روشن، تهران: سیمای دانش.
۱۰. \_\_\_\_\_، (بی‌تا)، شرح رباعیات جامی، تصحیح و مقدمه و تعلیقات مائل هروی، بی‌جا: انجمن جامی.
۱۱. خوافی، احمد بن محمد، (۱۳۸۶)، مجمل فصیحی، تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
۱۲. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام، (۱۳۳۳)، حبیب‌السیر فی اخبار افراد البشر، تهران: خیام.
۱۳. دشتی، علی، (۱۳۸۹)، دمی با خیام، چاپ سوم، تهران: اساطیر.
۱۴. دولت‌شاه سمرقندی، (۱۳۸۵)، تذکره الشعراء، تصحیح فاطمه علی‌ایق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
۱۵. شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۶۸)، تازیانه‌های سلوک، تهران: آگاه.
۱۶. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۲)، مفلس‌کیما فروش (نقد و تحلیل شعر انوری)، تهران: سخن.
۱۷. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۹)، موسیقی شعر، چاپ دوازدهم، تهران: آگه.
۱۸. شمس قیس رازی، (۱۳۸۸)، المعجم فی معاییر اشعار العجم، تصحیح محمد قزوینی، تهران: علم.
۱۹. شمیس، سیروس، (۱۳۶۶)، آشنایی با عروض و قافیه، تهران: توس.

۲۰. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۴)، سیر رباعی در شعر فارسی، تهران: فردوس.
۲۱. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۳)، نقد ادبی، تهران: فردوس.
۲۲. صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۸۸)، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ هفدهم، تهران: فردوس.
۲۳. عوفی، محمد، (۱۳۲۴)، لباب‌الالباب، تصحیح ادوارد برون، لیدن: بریل.
۲۴. فروزانفر، بدیع‌الزمان، (۱۳۸۷)، سخن و سخنوران، تهران: خوارزمی.
۲۵. کریستن‌سن، آرتور، (۱۳۷۴)، بررسی انتقادی رباعیات خیام، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: توس.
۲۶. مرادی، ارحام و محمد افشین وفایی، (۱۳۹۵)، سفینه کهن رباعیات، تهران: سخن.
۲۷. میرافضلی، سید علی، (۱۳۹۴)، جنگ رباعی: بازیابی و تصحیح رباعیات کهن فارسی، تهران: سخن.
۲۸. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۶)، کتاب چهار خطی: کند و کاوی در تاریخ رباعی فارسی، تهران: سخن.
۲۹. نجم رازی، عبدالله بن محمد، (۱۳۸۷)، مرصادالعباد، به اهتمام محمدامین ریاحی، چاپ سیزدهم، تهران: علمی و فرهنگی.
۳۰. نواب صدیق، حسن‌خان، (۱۳۸۶)، تذکره شمع انجمن، مقدمه، تصحیح و تعلیق محمد کاظم کهدویی، یزد: دانشگاه یزد.
۳۱. هدایت، صادق، (۱۳۸۲)، خیام صادق، مقدمه و گردآوری جهانگیر هدایت، تهران: چشمه.
۳۲. همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۹)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ هفدهم، تهران: هما.
۳۳. یارمحمدی، لطف‌الله، (۱۳۸۳)، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی. تهران: هرمس.

۱. تاکی، مسعود، (۱۳۹۲)، «رباعی، شگفت‌ترین قالب شعر فارسی»، هشتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران دانشگاه زنجان، صص ۱-۱۳.
۲. حسن‌لی، کاووس و سعید حسام‌پور، (۱۳۸۴)، «قرینه‌گرایی خیام در رباعیات»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره ۱۷ (پیاپی ۱۴)، صص ۱-۲۶.
۳. خاتمی، احمد و دیگران، (۱۳۸۹)، «از ساختار معنا‌دار تا ساختار رباعی (نگاهی جامعه‌شناختی به ارتباط میان جهان‌بینی عصر رودکی با ساختار رباعی)»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۶، صص ۱-۱۹.
۴. داوودی‌پور، غلامرضا و اصغر دادبه، (۱۳۹۱)، «بررسی و تحلیل تمثیل‌های تعلیمی وحدت وجود و تجلی در شرح رباعیات جامی»، فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، شماره ۱۴، صص ۶۵-۸۰.
۵. رشیدی، ناصر و ایوب انصاری، (۱۳۹۰)، «بررسی ساخت کلان دوبیتی‌های باباطاهر همدانی»، مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز، سال سوم، شماره ۲، صص ۱۲۳-۱۴۳.
۶. رضوانیان، قدسیه و احمد خلیلی، (۱۳۹۲)، «بررسی سبک فکری و محتوایی رباعیات طالب آملی»، آینه میراث، سال یازدهم، شماره دوم (پیاپی ۵۳)، صص ۱۲۷-۱۵۷.
۷. زارع ندیکی، یعقوب، (۱۳۸۹)، «تحلیل رباعیات مولوی از منظر داستانی»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۸، صص ۹۳-۱۱۱.
۸. مشهدی، محمد امیر و دیگران، (۱۳۸۹)، «سبک‌شناسی فکری رباعیات مولانا»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال سوم، شماره ۳، صص ۱۳۷-۱۵۳.